



دانشگاه هرمس‌الای تبریز
۱۳۷۸
دانشکده مهندسی و شهرسازی

۱

پژوهه‌های اسلامی

سال اول، پاییز و زمستان ۹۴

ISSN: 2383-0247

پژوهه‌های اسلامی

دو فصلنامه علمی تخصصی

نقد آرای سنت‌گرایان معاصر در زمینه هنر و معماری
اسلامی؛ با تکیه بر مفهوم سنت در معماری اسلامی
سید امیر منصوری، محمود تیموری ۱

بازگشت "هویت" به هنر و معماری اسلامی چه‌گونه
است؟
محمد علی‌آبادی ۱۵

معماری معاصر ایران؛ جامعه کوتاه‌مدت - معماری
کوتاه‌مدت
منوچهر معظمی ۳۹

الگو، مبانی، ارکان، صفات و اصول شهر اسلامی
محمد نقی زاده ۶۳

فتوات نامه معماری، اصول چهارده‌گانه اخلاق حرفه‌ای
معماری و شهرسازی
مهرداد آقاشریفیان اصفهانی، احمد امین پور ۸۱

التقاط به مثابه سبک، رویکردهای نوین در معماری
معاصر مسجد در مالزی
امیرحسین ذکرگو ۱۰۱



دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول

شماره ۱

پاییز و زمستان ۹۴

ISSN: 2383-0247

صاحب امتیاز :

دکتر محمد علی کی نژاد مدیر مسئول :

دکتر محمد تقی پیر بابائی سردبیر :

دکتر احمد نژاد ابراهیمی جانشین سردبیر :

اعضای هیات تحریریه :

(به ترتیب حروف الفبا)

دکتر محمد رضا بمانیان (استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس)

دکتر محمد تقی پیر بابائی (دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز)

دکتر محمد رضا چنانلو (استاد دانشگاه صنعتی سپند)

دکتر عیسی حجت (استاد دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران)

دکتر محمد علی کی نژاد (استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز)

دکتر اصغر محمد مرادی (استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران)

دکتر مرتضی میر غلامی (استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز)

دکتر حمید ندیمی (استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شیبد پیشتو)

دکتر احمد نژاد ابراهیمی (استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز)

مدیر داخلی :

مسئولان امور اجرایی:

(به ترتیب حروف الفبا)

دکتر بهرام آجرلو، دکتر مازیار آصفی، دکتر آزینا بلالی اسکویی، دکتر مرتضی پور محمدی، دکتر

حسن سجادزاده، دکتر فرزین حق پرست، دکتر یاسر شبیازی، دکتر عباس غفاری، دکتر اسلام

کرمی، دکتر مهدی محمدزاده، دکتر لیلا مدققالچی، دکتر آیدا ملکی، مهندس سید مهدی نارنگی، دکتر

مسعود ناری قمی، دکتر مسعود وحدت طلب، دکتر علی وند شعواری، دکتر پریسا هاشم پور.

آدرس پستی :

دانشگاه هنر اسلامی تبریز

تلفن :

Firooze-islam.ir

firooze.islam@tabriziau.ac.ir

سایت اختصاصی :

نشانی الکترونیک :

الگو، مبانی، ارکان، صفات و اصول شهر اسلامی

محمد نقیزاده*

دانشیار دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

برای هر اثر و از جمله هر شهری - به ویژه که به صفتی مثلاً اسلامی، مُنصَف باشد - عده‌ای ویژگی قابل احصا است که اصلی‌ترین این ویژگی‌ها برای شهر اسلامی که عامل تمایز آن با سایر شهرها خواهد بود عبارتند از: الگو، مبانی، ارکان، صفات و اصول. هر پدیده‌ای در عالم - توسط انسان ساخته شود - بر اساس الگویی پدید می‌آید. لزوم در دست بودن الگو به خصوصیات برای شهر ضرورت است.

در کنار ضرورت در دسترس بودن الگو همانند ساختمان که بر پی قرار دارد، هر موضوع بر پایه و قاعده‌ای استوار می‌شود. علاوه بر اینها هر موضوع و هر پدیده‌ای دارای ارکانی است که برای ایجاد و دوام آن موضوع یا پدیده ضروری‌اند و بدون هر یک از ارکان، پدیده مزبور متلاشی خواهد شد. اصول نیز از جمله عواملی هستند که به ویژه در تطبیق جهان‌بینی و فرهنگ مردم و شهرشان نقشی بینایی‌افا می‌کنند.

و بالاخره موضوع پنجم صفاتی است که می‌توان برای ظهور یک پدیده مطرح کرد که در واقع همان اصول شکل‌دهنده آن هستند. طبیعتاً شهر و به طریق اولی شهر اسلامی نیز بر همین قاعده است. علاوه بر اینها از قرآن کریم که به نص خود و سخن معصومین حاوی هر موضوع مورد نیاز بشر است، مرجعی است که الگو و مبانی و ارکان و صفات و اصول شهر اسلامی از آن قابل استنتاج است. مقاله حاضر بر آن است تا با مراجعه به کلام الهی این موضوعات را تبیین نموده و «شهر اصیل اسلامی» را که مکان زیست انسان کامل است، به عنوان صورت مثالی و مفهومی توضیح دهد و معرفی کند که به تناسب مرتبه باورهای اهل خویش و سازندگانش و با عنایت به امکانات در دسترس و شرایط زمان و مکان نمونه و نسخه مناسب آن دوران و آن سرزمین ظهور خواهد یافت.

واژگان کلیدی:

شهر اسلامی، الگو، صفت، اصول.

*E mail: Dr_MNaghizadeh@yahoo.com

مقدمه

ضعيف به مردمی است که غالباً دارای میراث فرهنگ غنی بوده‌اند (Brown 1973). به این ترتیب، ضمن تأکید بر پای‌بندی مسلمان بر ارزش‌های دینی‌شان، تأثیر جهان‌بینی توحیدی اسلام بر فرهنگ و شیوه زندگی جوامع مسلمان و بالتبّع بر آثار آنان را ضعیف می‌شمارد.

- «لایپدوس»^۲ در آثار متفاوت مکتوب خویش به «ساختار قومی، اجتماعی و اقتصادی شهرهای مسلمانان» به مثابه اصلی‌ترین علت شکل‌گیری مجتمع‌های مسلمانان اشاره می‌کند؛ Lapidus (1988) و اگر چه علی‌الظاهر نقش عوامل قومی و اجتماعی و اقتصادی را اصلی‌تر از نقش جهان‌بینی و تفکر قلمداد می‌کند اما غافل از آن است که اصولاً، تعالیم اسلام بر نگرش‌های قومی و اجتماعی و اقتصادی مسلمانان نیز تأثیری غیرقابل انکار داشته است.

«کوبان» به عنوان نمونه‌ای از تفکری که منکر تأثیر دین، به خصوص اسلام در شکل‌گیری محیط فیزیکی می‌باشد، منکر هرگونه ارتباط قوی و تأثیر جهان‌بینی اسلامی – به عنوان فلسفه حیات – و مفاهیم روحانی و معنوی و متافیزیکی آن با شکل‌گیری محیط فیزیکی بوده و این گونه مطرح می‌نماید که اسلام در شکل دادن به محیط زندگی مسلمانان چیچ گونه نقشی ایفا ننموده و مهمترین نقش، توسعه سوابق تاریخی و میراث فرهنگی اعمال می‌گردد (Kuban 1980).

برخی از افراد تعبیر «شهر اسلامی» را برای شهرهای جهان اسلام به کار می‌برند (ابراهیمی ۱۳۷۵)؛ و برخی – مثل گزاریه دوپلانو^۳ – معتقدند که «بارزترین ویژگی شهرهای اسلامی بی‌نظمی و بی‌قاعدگی آنهاست» (اسلامی

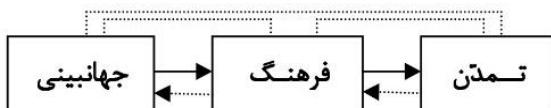
رواج تعبیر «شهر اسلامی» و اطلاق آن به مجتمع‌های زیستی مسلمانان – به ویژه «شهر اسلامی» نامیده شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا مسلمان‌نشین – با این فرض که این شهرها، از نظر کالبدی، جلوه‌گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی بوده و به این ترتیب از شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایز می‌باشند، از قرن نوزدهم میلادی و به وسیله مستشرقین آغاز شد.^۱ از آن دوران به بعد این تعبیر – که به شهرهای ساخته‌شده توسعه مسلمانان و محل زندگی آنان اطلاق می‌شد – به مرور در نوشته‌ها و آثار مربوط به تبعات شهری که به بررسی سکونت‌گاه‌های مسلمانان می‌پرداختند – بر این اساس که با حریم فیزیکی و یا ذهنی خاص خود تجلی جامعه و فرهنگی متمایز از سایر تمدن‌ها می‌باشند – با معرفی خاورشناسان، در ادبیات غرب ثبت شد.

نظریه شهر اسلامی به انحصار مختلف توسعه افراد متفاوتی با دیدگاه‌های گوناگون مورد تأیید یا نقد و حتی انکار قرار می‌گیرد. علت اصلی این ت نوع و تکثر آراء را نیز شاید بتوان در مبانی فکری و میزان تسلط افراد بر تعالیم و جهان‌بینی توحیدی اسلام دانست. مضاف اینکه اشتباها تی چون «اسلام را مترادف با عرب دانستن»، «عدم توجه به امکانات تجلی متفاوت تعالیم اسلام در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت» و «بی توجهی به آثار ناشی از جامعیت و جاودانگی و جهانی بودن تعالیم اسلام»، در ارائه این نظرات مؤثر بوده – اند. در ذیل به نمونه‌هایی از این قضاوت‌ها اشاره می‌شود:

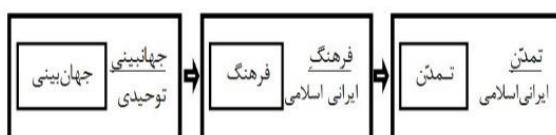
- «براون» معتقد است «اگرچه مسلمانان ممکن است در برخی مناطق بیش از سایر ادیان، مانند مسیحیت، به ارزش‌های مذهبی و ارگان‌های مذهبی پای‌بند باشند اما اینکه هر چیزی حتی شهر را برچسب اسلامی بزنیم، در واقع نسبت دادن یک واکنش فرهنگی

این تفکر بر جنبه‌های اقتصادی- اجتماعی است و از تفکر و مبانی جهان‌بینی حاکم غفلت می‌ورزند و فراموش می‌کنند که هر کس باید در حیطه علم و تخصص خود اظهار نظر کند. یک نفر طراح و شهرساز - البته ضمن اشاره به همه موارد مربوط به شهر - باید مرکز اصلی خویش را به شهرسازی متوجه نموده و از دخول در حیطه وظایف دیگران احتراز نماید. خلاصه اینکه مروری بر اسناد و انتشارات در دسترس، حاکی از موارد فراوانی است که از تعبیر «شهر اسلامی» سخن به میان آمده است. علی‌رغم این موارد فراوان، منابعی که به صورت جامع به تبیین «الگوها»، «مانی»، «ارکان» و «صفات شهر اسلامی»، و همین‌طور به ارائه «اصول و راهبردهایی» برای شهرسازی اسلامی - یا ظهور شهر اسلامی در آینده - پرداخته باشند، اندک‌اند؛ و مضاف اینکه مرجعی در دست نیست تا در آن مرجع این «الگوها»، «مانی»، «ارکان»، «صفات» و «اصول»، از منابع و متون و نصوص اصیل اسلامی و قرآن کریم استنتاج و استخراج شده باشند. به این ترتیب، آنچه که در این مجال مطرح خواهد شد، ضمن تفاوت با آنچه که دیگران - و به ویژه غربیان و ترجمه آثار آنان - گفته‌اند، بر دریافت‌هایی از کلام الهی متمرکز خواهد بود و سعی بر آن خواهد داشت تا همه عناوین اصلی مرتبط با شهر اصیل و ایده‌آل اسلامی، از جمله «الگوها»، «مانی»، «ارکان»، «صفات» و «اصول ساخت» آن را با استفاده از کلام الهی معرفی کند که قبل از این معرفی به دو موضوع که به وضوح بحث کمک خواهد کرد اشاره می‌شود.

و مورینی^۴ (۱۳۷۵، ۲۲). عده‌ای تأکید اصلی را بر وجه حقوقی شهر اسلامی نهاده و معتقدند که «شهر اسلامی، شهری است که در آن حقوق شهروندان ضایع نشود. حقوق شهروند چیست؟ این که بتواند نفس بکشد، امنیت داشته باشد، مدرسه‌ای نزدیک خانه داشته باشد» (حجت، ۱۳۷۵، ۴۳). برخی دیگر، «معماری» و «اسلام» را دو جوهر جدا می‌دانند که همراه کردن آنها کارگشا نیست (حایری، ۱۳۷۵، ۴۴). برخی دیگر نیز راه دنبال کردن عملی موضوع شهر اسلامی را تلفیق شهرهای اسلامی و ایرانی می‌دانند (فرجامی، ۱۳۷۵، ۴۵). گروهی دیگر که علی‌الظاهر - و به اشتباہ - به دنبال ارائه الگوی خاص شهر اسلامی از سوی اسلام هستند معتقدند که «اگر به اصیل‌ترین متون و منابع دست اوّل دینی رجوع کنیم، ظاهراً باید اذعان داریم که دین اسلام به طور مستقیم به شهرسازی و معماری که لاجرم الگوی خاصی را ایجاد می‌کند توجه بسیار کمی معطوف داشته است. آنچه به معماری و شهرسازی اسلام هویت می‌دهد متاثر از اسلام به عنوان «تمدن» است، یعنی دستاوردهای فرهنگی ملل مسلمان و به این ترتیب نقش فرهنگ‌های غیرمسلمان و فقدان سازمان‌های دینی تأثیرگذار، فقدان ضوابط مشخص دینی را در ظهور هویت شهر اسلامی دخیل می‌دانند و در واقع نافی هویت اسلامی شهرهای مسمی به شهر اسلامی‌اند (افشار نادری، ۱۳۷۵، ۴۷-۴۸) و برخی افراد اهتمامی را که در تدوین مبانی نظری طراحی «شهر اسلامی» بر اساس متون اسلامی مبدول شود، دارای «جنبه‌های ایده‌آلی و اتوپیایی و غیرواقع-گرایانه» می‌دانند (قالیباف و پورموسی، ۱۳۸۷).



نمودار ۱: فرایند عام ظهور یک تمدن از فرهنگ و جهانبینی خاص



نمودار ۲: فرایند ظهور یک تمدن (در سرزمین ایران) از جهانبینی توحیدی و فرهنگ متکی و مبتنی بر آن

می‌دهد که آن را فضای عمل یا فرهنگ می‌نامیم. حاصل رفتار و عمل و فعالیت نیز مجموعه آثاری است که تمدن نامیده می‌شود. به عنوان نمونه، جهانبینی توحیدی، فضای اندیشه و هدایتگر تفکر مسلمانان است. مسلمانان سرزمین‌ها و دوران‌های مختلف با توجه به شرایط زمانی و مکانی و امکانات - و البته با توجه به برداشت‌ها و تفاسیر - خویش از اصول و مبانی جهانبینی توحیدی اسلام به گونه‌ای عمل می‌کند که آن را فرهنگ مسلمانان در دوره یا سرزمینی خاص می‌گوییم. حاصل این عمل نیز در هر دوران و در هر سرزمینی، تمدنی است که مجموعه این تمدن‌های جزئی که عموماً به سرزمین یا دوره‌شان شناخته می‌شوند، «تمدن مسلمانان» است.

الگوی اصیل و قرآنی شهر اسلامی

یکی از ویژگی‌های بارز انسان‌ها انتخاب و تبعیت و سعی در تشبیه به افراد و گروه‌ها و جوامعی است که می‌توان از آنها به الگو یاد نمود؛ که به تبع آن، آثار آنان نیز به عنوان الگو مطرح می‌شوند. تعالیم اسلامی نیز به صراحة، پیامبر اکرم (ص) و همچنین حضرت ابراهیم (ع) را به عنوان اسوه و الگوی انسان‌های صالح معروفی نموده است (متوجهه ۴ و احزاب ۲۱). علاوه بر آن، به کرات مسلمانان را از شبیه بودن به افراد و جوامعی خاص نهی می‌فرماید (بقره ۴۱،

اسلام و شهر: «اسلام»، از سویی از ادیان و مکاتبی است که در محیط شهری نصیح یافته و اصولاً نسبت به شهرنشینی نظری کاملاً مساعد و تشویق‌آمیز دارد و از سوی دیگر، نسبت به جمع و جماعت نیز التفاتی خاص دارد و لذاست که نمی‌تواند نسبت به موضوعات مختلف مرتبط با شهر بی‌تفاوت باشد. مضاف اینکه شهر، اولاً تجلی باورها و آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی مردم است ثانیاً مشتمل بر ویژگی‌ها و فضاهای و عناصری است که مردم را در شیوه زیست‌شان راهبری و کمک می‌کند و ثالثاً بر فرهنگ و رفتار مردمان تأثیر دارد. بسیاری از محققین معتقدند که اسلام اصولاً دین شهر است، نگاهی اجمالی به تعلیمات اسلامی نیز تأکید اسلام بر این موضوع (شهرنشینی) را نشان می‌دهد. این اهمیت تا جایی است که حضرت ابراهیم (ع)، پس از تجدید بنای کعبه، «شهر شدن» آن محل (مکه) را از حضرت احادیث مستلت می‌نماید: «پروردگارا این سرزمین غیر ذی زرع را آباد کن و به صورت شهر درآور» (جودای آملی ۱۳۸۱، ۱۴۷) (بقره ۱۲۶).

فرایند ظهور یک «تمدن» از «اندیشه» و «فرهنگ»: همه موضوعاتی که معمولاً در مورد تمدن‌ها طرح و مطرح می‌شوند، ظواهر و تجلیات تمدن‌ها هستند و باطن (یا جان) هر تمدن، جهانبینی‌ای است که این ارکان را شکل داده و تعریف نموده است. با عنایت به این باور که «جهانبینی» فضای فکر، و «فرهنگ» فضای عمل و رفتار است، در تعریف تمدن می‌گوییم که تمدن تجلی کالبدی و عینی یک جهانبینی است که در پی رفتار و عمل جامعه ظهور پیدا می‌کند و به این ترتیب، با عنایت به نمودار (۱) در جامعه‌ای با تفکر و جهانبینی توحیدی اسلام، فرهنگ ایرانی مبتنی بر آن جهانبینی، نمودار (۲) قابل طرح است.

نتیجه این که همه موضوعات مرتبط با زندگی انسان، در فضایی تحلیل و تفسیر می‌شوند که آن را فضای اندیشه یا جهانبینی می‌نامیم و تعامل با این موضوعات در فضایی رخ

- سه بُعد روحانی، نفسانی و جسمانی قابل تصور است.
- **اهداف و غایت حیات :** مطابق تعالیم اسلامی، انسان جانشین خداوند در زمین است (فاطر ۳۹) که بر بسیاری مخلوقات برتری داده شده (اسراء ۷۰) و زمین به عنوان محل زندگی او قرار داده شده است (نمل ۶۱ و اعراف ۲۴ و ۷۴). از آنجایی که انسان برای حیات در جهانی دیگر خلق شده (مؤمن ۳۹)، زمین تنها به عنوان مرر و مکان آماده شدن و صلاحیت یافتنی برای ورود به حیات جاوید ایفای نقش می‌نماید (بقره ۳۶ و مؤمن ۳۹). بنابراین مهم‌ترین ضرورت نیز، بهره‌گیری مناسب از جهان و اجزای آن و همچنین تغییر و دگرگونی در طبیعت و فراهم آوردن محیط و فضای مناسب برای وصول به این اهداف می‌باشد.
- **نیازهای انسان:** آنچه که مستقیم یا غیرمستقیم ملاک و معیار اصلی تهیه طرح‌ها و برنامه‌ها و به‌طور خلاصه مبنا و انگیزه جملگی فعالیت‌های انسانی است، پاسخگویی به نیازهای انسان است. طبیعی است که تعریف و طبقه‌بندی نیازها و سلسله‌مراتب و اهمیت آنها، بسته به جهان‌بینی و فرهنگ هر جامعه در تغییر است. در مورد نیازهای انسان چنانچه گذشت، حیات انسان در ابعاد مختلفی قابل بررسی است که هر بعد نیز نیازهای خاص خویش را دارا می‌باشد. به تناسب سه ساحت حیات، نیازهای انسان نیز تحت سه مقوله «نیازهای مادی یا فیزیولوژیکی» مثل خوارک، پوشک، مسکن و امثال‌هم، «نیازهای نفسانی» مثل آزادی، حبّ ذات و سایر نیازهای روانی و «نیازهای روحانی» مثل ارتباط با مبدأ هستی و جنبه‌های معنوی و مرتبط با ماوراء‌الطبیعه، تقسیم‌بندی می‌شوند (نقی‌زاده ۱۳۸۵).
- تفکر اسلامی توجه همزمان و توأم‌ان به نیازهای انسان را توصیه می‌نماید و اگرچه به تأمین نیازهای مادی انسان نیز تأکید می‌ورزد لکن هیچ‌گاه آنها را به عنوان اصل و هدف

آل عمران ۱۰۵ و ۱۵۶، انفال ۲۱ و ۴۷، نحل ۹۲). در حدیث قدسی نیز آمده است «أَوْحَى اللَّهُ إِلَى تَبَّى مِنَ الْأَنْبِيَاءِ فُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبِسُوا لِبَاسَ أَغْدَائِي وَ لَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَغْدَائِي وَ لَا يَسْلِكُوا مَسَالِكَ أَغْدَائِي فَيُكُونُوا أَغْدَائِي كَمَا هُمْ أَغْدَائِي». «خداؤند بر پیامبری از پیامبران وحی کرد به مؤمنان بگو: لباس دشمنان مرا بر تن نکنند و غذای دشمنان مرا نخورند و راه دشمنان من را نزوند که اگر چنین کنند، دشمنان من خواهند بود همان‌گونه که آنها هستند» (عاملی ۱۳۸۵-۶۶۰، ۶۶۱).

بدون دخول در تعاریف مربوط به چیستی انسان و همه موضوعات مربوط به او که هر کدام بحث‌های مبسوطی را طلب می‌نمایند، در این مجال تنها به سه عنوان اصلی یعنی «ساحت‌های حیات»، «اهداف و غایت حیات» و «نیازهای انسان»، که در قلمرو بحث حاضر واجد اهمیت بیشتری هستند اشاره می‌شود. با عنایت به این که موضوعات مورد نظر در فضای فرهنگ ایرانی که خود متأثر از جهان‌بینی توحیدی و تعالیم اسلامی می‌باشد، مطرح هستند، سعی بر آن خواهد بود تا تعاریف آنها نیز در حوزه این فرهنگ پی‌جوبی شوند.

- **ساحت‌های حیات:** در زمینه شناخت ساحت‌های حیات، ذکر آرای مرحوم علامه طباطبایی به وضوح بحث کمک می‌کند؛ ایشان می‌گوید: «حسن [یا زیبایی] عبارت است از هر چیزی که بهجهت آورده و انسان به سوی آن رغبت کند و این حالت سه قسم است: یکی اینکه چیزی مستحسن از جهت عقل باشد یعنی عقل آن را نیکو بداند، دوّم اینکه از نظر هوای نفس نیکو باشد، سوم از نظر حسّی زیبا و نیکو باشد. البته این تقسیمی است برای زیبایی از نظر ادراکات سه‌گانه انسان» (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۱۶، ۳۷۲) و طبیعی است که هر یک از این حالات با ابزار و آلات و اعضای خاص خود درک می‌شوند. بنابراین، برای حیات انسان

عرض کرد پروردگارا این شهر (مکه) را مکان امن و امان قرار ده و من و فرزندانم را از پرسش بتان دور دار (ابراهيم).^(۳۵)

ملاحظه می شود که حضرت ابراهيم^(ع) سه دعای اصلی برای مکه دارد که هر یک از آنها بر یک ساحت حیات - «جسم یا فیزیولوژی»، «روان یا نفس»، و «روح یا آخرت» - متمرکز است. به بیان دیگر، با تأمین هر یک از این نیازها (به عنوان سریسله نیازهای ساحت مورد نظر از حیات) زمینه تأمین سایر نیازها نیز فراهم خواهد شد. وقتی «رزق» (به معنای عام آن) تأمین شود می توان گفت که امکان مرتفع شدن و ارضای همه نیازهای فیزیولوژیک و جسمی انسان فراهم شده است؛ و زمینه پاسخگویی به آنها تأمین شده است. زمانی که امنیت انسان تأمین باشد، می توان امیدوار بود که در سایه امنیت، انسان بتواند به همه نیازهای قلمرو روان خویش و آنچه که انسانیت او اقتضا می کند، دست یابد. و بالاخره با نیازهای خداوند واحد و روز قیامت، آنگاه می توان از تأمین همه نیازهای معنوی و روحانی او به نحو احسن نیز رأی داد. خلاصه این که هر یک از سه دعای حضرت ابراهيم^(ع) برای مکه مكرمه و اهل آن، سریسله نیازهای یک ساحت حیات هستند که تأمین آنها زمینه ساز پاسخگویی به همه نیازهای انسان و سعادت و کمال انسان خواهد بود.

به این ترتیب، نه از نظر شکلی که از نظر امکاناتی که یک شهر باید در اختیار اهلهش قرار دهد و از نظر شرایطی که باید برای آنها فراهم کند، مکه مكرمه و به ویژه دعاهاي حضرت ابراهيم^(ع) در مورد آن، بهترین الگوی شهر اسلامی و محیطی برای زیست انسان است که طبعتاً این ویژگی ها که در جهت پاسخگویی به همه نیازهای انسان هستند، بر کالبد شهر، بر قوانین و مقررات حاکم بر شهر، بر رفتار اهل شهر، بر ارتباطات مردمان با یکدیگر و در یک کلام بر اركان شهر تأثیر بنیادین خواهد داشت.

حیات مطرح نمی کند. در واقع، در این تفکر، نیازهای فیزیولوژیکی در طول نیازهای معنوی و در جهت آماده سازی انسان و کمک به او در رسیدن به آرمانهای معنوی اش می باشند. قابل ذکر است که یکی از کسانی که آرای وی در مورد سلسله مراتب و طبقه بندی نیازهای انسان، ملاک عمل برخی طراحان و برنامه ریزان قرار دارد، آبراهام مزلو^۵ است که نظریاتش به استناد مطالعات بالینی ارائه شده است (مزلو ۱۳۷۵). بدون دخول در برخی ویژگی های این نظر که در موضع دیگری از آن سخن رفته است (نقیزاده ۱۳۸۵). در این مجال، در مقابل این نظر، فقط به این نکته اشاره می کنیم که سلسله مراتب بسیار مهمی را که متناظر با سلسله مراتب قلمروها یا ساحت های حیات انسان هستند نباید مغفول نهاد.

• الگوی اصیل قرآنی شهر: با عنایت به تعبیر انحصاری قرآن کریم برای مکه مكرمه که آن را «أُمُّ الْفَرَّار» می نامد - که قاعده تاً باید به عنوان مادر الگوی سایر شهر ایفای نقش کند - و این که حضرت ابراهيم^(ع) پس از تجدید بنای کعبه شریف، برای شهر و اهل آن سه دعا می کند و سه چیز را از خداوند متعال برای اهل آن می خواهد، می توان برای نیازهای انسان که جامع و در بردارنده همه نیازهای مادی و روانی و معنوی او خواهد بود، تقسیم بندی خاصی ارائه کرد. دعا حضرت ابراهيم^(ع) چنین است:

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا آمِنًا وَ الرُّزْقُ أَهْلِهِ مِنَ الظَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ: وَچون ابراهيم عرض کرد پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و روزی اهلهش را که به خدا و روز قیامت ایمان آوردنند فراوان گردان (بقره ۱۲۶); و در جای دیگر، دعا می کند:

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْتِنَبَنِي وَتَنِي آنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَانَ: یاد آر وقتی که ابراهيم

مبانی شهر اسلامی

مسلمانان - اعم از شهر، روستا و عمارت‌های مختلف - باشد. به عبارت دیگر، از آنجایی که اساس تفکر و جهان‌بینی اسلام «توحید» است، شناسایی بارزه‌های روش‌های ملاک عمل مسلمانان، اصول حاکم بر آن و ویژگی‌های آثار آنان (که شهر و محیط زندگی نیز جزئی از آن است) بدون ملحوظ داشتن تأثیر این اصل ممکن نیست. به همین جهت اهتمام در شناخت چگونگی تأثیر جهان‌بینی توحیدی اسلام در مقاطع زمانی و مکانی مختلف و بر آثار گوناگون مسلمانان امری ضروری و حیات‌بخش و لازم‌الرعايه است.

اصل توحید، به عنوان اساس تفکر و اعتقاد مسلمانان و صفت ممیزه اسلام و سایر مکاتب، همواره الهام-بخش همه فعالیت‌های فکری و عملی مسلمانان معتقد و مؤمن در طول تاریخ اسلام بوده است. بیهوده نیست که اکثریت قریب به اتفاق محققینی که در مورد مقولات و قلمروهای مختلف تمدن مسلمانان و از جمله هنر و معماری و شهر و تمدن آنها به مطالعه پرداخته و در پی یافتن مبانی نظری و فلسفی فعالیت‌های آنان بوده‌اند، بنیاد و اساس ویژگی‌های مورد نظر را در اصول اعتقد اسلام و به ویژه در اصل توحید یافته‌اند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۷؛ نصر ۱۳۵۹؛ داوری اردکانی ۱۳۷۸؛ بورکهارت ۱۳۷۲؛ نقی‌زاده ۱۳۸۴ و Yusuf Ali 1934).

با عنایت به آنچه گذشت، تحت سایه توحید و وحدانیت الهی می‌توان تحت یک سلسله‌مراتب متغیر، از وحدت‌هایی سخن گفت که به انحصار مختلف در عالم وجود جلوه‌گر هستند و باید توسط انسان نیز مورد توجه و ملاک عمل قرار گیرند. به عبارتی، می‌توان سخن از بسیاری «وحدت»‌ها گفت که تجلی وحدانیت خالق هستند و بدون اینکه شباهتی به احادیث او داشته باشند، متذکر به مفهوم «احد»

مبانی به آن دسته از موضوعات یا اصول بنیادینی اطلاق می‌شود که در همه موضوعات مربوط به یک جهان‌بینی صادق و جاری و ساری و مشهود باشند. این موضوع اصلی اساسی است که مبانی هر تفکر و جهان‌بینی، اصولی هستند که نه تنها در حوزه اندیشه که در همه امور مربوط به آن تفکر و جهان‌بینی حضور دارند و راهنمای اندیشه و عمل هستند که هستند. این اصول، نه تنها راهنمای اندیشه و عمل هستند که فراتر از آن و نهایتاً نیز در همه آثاری که از آنها سرچشمه گرفته و سیراب شده‌اند، باید نمود و جلوه داشته باشند و انسان را به همان اصول برسانند. با توجه به اینکه فضای مطالعه حاضر، جهان‌بینی توحیدی - دین اسلام - است، مبانی مورد نظر، اصولی هستند که هر موضوعی در اسلام، باید از آنها متأثر بوده و نهایتاً نیز با بهره‌گیری از آنها، پیروان اسلام را به همان اصول برسانند. به این ترتیب و با توجه به مباحث مطرح در تعالیم اسلامی، اصولی ترین بنیاد (یا مبانی) اسلام «توحید» است. پس از توحید می‌توان به اصل «عدل» اشاره کرد که به عنوان اصلی ترین صفت فعل الهی، هم مسلمانان به رعایت آن امر شده‌اند و هم این که مطابق سخن رسول خدا (ص)، عالم هستی بر آن قرار دارد: « بالعدل قائمت السماوات و الأرض ». بنابراین، ضمن اذعان به تعدد اصول اسلامی، در این مجال، به دو اصل بنیادین که جهت-دهنده و معرف جهان‌بینی توحیدی اسلام هستند و سایر اصول نیز به آنها برمی‌گردد، اشاره می‌شود: دو اصل «توحید» و «عدل».

- **توحید:** بی‌جوبی نقش تفکر و جهان‌بینی توحیدی اسلام در شکل‌گیری مجتمع‌های مسلمانان، موضوعی در خور توجه است که دستیابی به چگونگی تأثیر آن در اقالیم و زمان‌های متفاوت می‌تواند راهگشای شناسایی ویژگی‌های اسلامی مجتمع‌های

معنى اعم، شامل کلِّ فضائل است» (فروغی، ۱۳۱۷، ۹۱). افلاطون عدالت اجتماعی را این چنین تعریف کرده است: «عدالت آن است که کسی آنچه حقَّ او است به دست آورد و کاری را در پیش گیرد که استعداد و شایستگی آن را دارد». و درباره عدالت فردی می‌گوید: «عدالت در فرد نیز نظام و انتظام مؤثِّر و منتج است، هماهنگی قوای یک فرد انسانی است، به این معنی که هر یک از قوا در جای خود قرار گیرد و هر یک در رفتار و کردار انسان تشریک مساعی کند» (مطهری ۱۳۶۱ ب، ۲۸).

مبانی و ریشه اصلی موضوعات و مباحث مربوط به عدل را در اصلی‌ترین منبع تعالیم اسلام یعنی قرآن مجید باید جستجو کرد. «زیرا قرآن است که بذر اندیشه عدل را در دل‌ها کاشت و آبیاری کرد و دغدغه آن را چه از نظر فکری و فلسفی و چه از نظر عملی و اجتماعی در روح‌ها ایجاد کرد» (مطهری ۱۳۵۷ د، ۳۵). بنا به تعبیر شهید مطهری «در قرآن، از توحید گرفته تا معاد، و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. عدل قرآن، همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشريع نبوت، فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است» (همان، ۳۸). با عنایت به مراتب مطرح شده عدل در تعالیم قرآنی، یعنی عدل تکوینی، عدل تشریعی، عدل اخلاقی و عدل اجتماعی می‌توان به این اصل اساسی دست یافت که جهان‌بینی قرآنی، جهان‌بینی‌ای است که پایه و اساس آن را عدل تشکیل می‌دهد.

به بیان دیگر، اصل عدل، جهت جهان‌بینی توحیدی اسلام را که در واقع نگرش مسلمین به هستی و آفرینش است، تعیین می‌نماید. اصل عدل نه تنها میان ویژگی جهان‌بینی اسلامی که معیار و میزانی برای

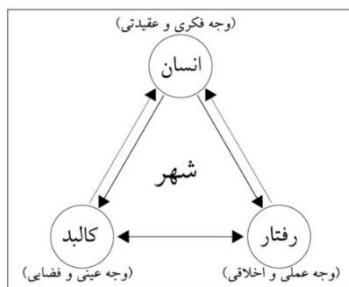
می‌باشدند. در واقع، وحدت‌هایی همچون وحدت هستی، وحدت طبیعت،^۶ وحدت جامعه (آل عمران ۱۰۳؛ مائده ۲)، وحدت آثار انسانی، وحدت آثار انسانی با محیط و وحدت ساحت‌های حیات، جملگی وحدتی در کثرت را به نمایش می‌گذارند. این در حالی است که وحدانیت (و به عبارت بهتر «احدیت») الهی تکرّناپذیر است. لذاست که شهر اسلامی در یک سلسه‌مراتب منطقی بایستی تجلی‌گاه وحدت‌هایی باشد که اولاً تعالیم اسلامی به آنها توصیه نموده است و ثانیاً بتوانند جامعه را به «وحدت اصلی» رهنمون گردند.

• عدل: اصل دیگری که به عنوان رکن تفکر و تعالیم اسلامی مطرح است و باید به عنوان مبنا و پایه همه اعمال مسلمین عمل نموده و همه آثار آنها بر تجلی آن متمرکز باشد، اصل عدل است. به همین دلیل، اصل «عدل» را در کنار اصل «توحید» و بعد از آن، به عنوان یکی از مبانی شهر اسلامی معرفی می‌کنیم. جملگی آراء و نظرات جوامع و فرهنگ‌های مختلف در مورد عدل و دادگستری منوط و منبعث از جهان‌بینی آن‌ها می‌باشد و لذاست که تفاوت‌های ماهوی در معنا و مفهوم عدالت نزد ملل مختلف وجود دارد. عدل در لغت به معنای مقابل ستم، امری بین افراط و تقریط، مرد صالح، حق، راست، توازن، استقامت، میانه‌روی، قصد و میزان آمده است. با عنایت به مشتقات آن در زبان عربی که در فارسی هم متداول هستند همچون تعادل، تعدیل، متعادل، معادل و امثال‌هم اهمیت آن در جملگی مقولات مربوط به عالم وجود و فعالیت‌های انسان روشن می‌شود.

به تبع انبیاء و مردان الهی، مصلحین و حکما نیز به عدالت توجهی ویژه مبذول داشته‌اند، برای مثال ارسسطو معتقد است که «عدالت و دادگری به یک اعتبار و به

تنظيم روابط و نظارت بر زندگی در شهر دخالت دارد. پس از «انسان»، قوانین و مقررات و آداب و شیوه‌ها و رفتار و اخلاق اهل شهر قرار دارند که رابطه اهل شهر و همه اجزای شهر را با یکدیگر، با طبیعت با ساخته‌های انسان و با هستی در قلمروهای مختلف معنوی و مادی حیات تنظیم می‌کنند؛ و بالاخره، «کالبد شهر» قرار دارد که متأثر از دو عامل دیگر به اضافه شرایط خاص محیطی، اقتصادی، فنی، علمی و هنری است.

خلاصه اینکه سه قلمرو اصلی شکل دهنده شهر (مطابق نمودار ۳) وابسته به انسان هستند. طبیعی است که اوئین وجه، وجه فکری و اعتقادی انسان است. وجه دوم وجه فرهنگی و اخلاقی و رفتاری و عملی انسان است. و بالاخره وجه سوم وجه کالبدی است که حاصل عمل انسانی و فضای رفتارها و تجلی گاه باورهای اوست.



نمودار ۳: رابطه سه عنصر اصلی دخیل در ظهور شهر (یا اجزاء اصلی یک شهر) (نقی زاده ۱۳۸۷)

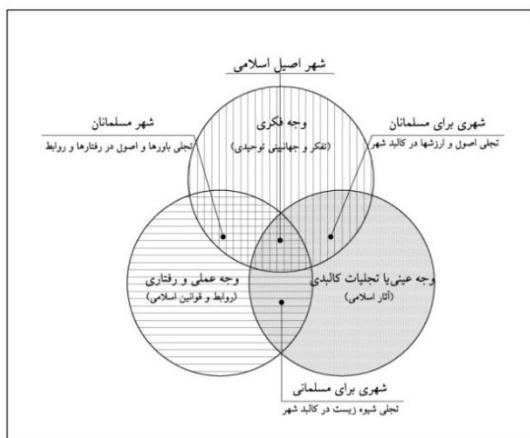
- ارکان شهر اسلامی: به این ترتیب و در مقایسه می‌توان گفت که برای ظهور شهر اسلامی، انطباق و همپوشانی سه «فضا» یا سه عنصر، به عنوان «ارکان» آن ضرورت دارد. این سه فضا عبارتند از: فضای فکری، فضای عملی و فضای عینی یا فضای کالبدی (نمودار ۴). در حقیقت، شهر اسلامی فقط کالبد نیست، و علاوه بر «کالبد»، دو مقوله مهم دیگر نیز در

شناخت اصالت قوانین و تشریع است. همچنین به عنوان معیار و میزان شایستگی و لیاقت زعامت و رهبری مطرح بوده و در کنار همه اینها به مثابه آرمانی انسانی در جامعه اسلامی ظهور می‌یابد که وظیفه و مسئولیت مسلمین بر پایه آن استوار می‌باشد. برخی آیاتی که در قرآن کریم، مبین و مؤید اهمیت عدل در مقولات و مفاهیم گوناگون هستند عبارتند از: آل عمران ۱۷، رحمن ۹، حیدر ۲۵ و اعراف ۲۹.

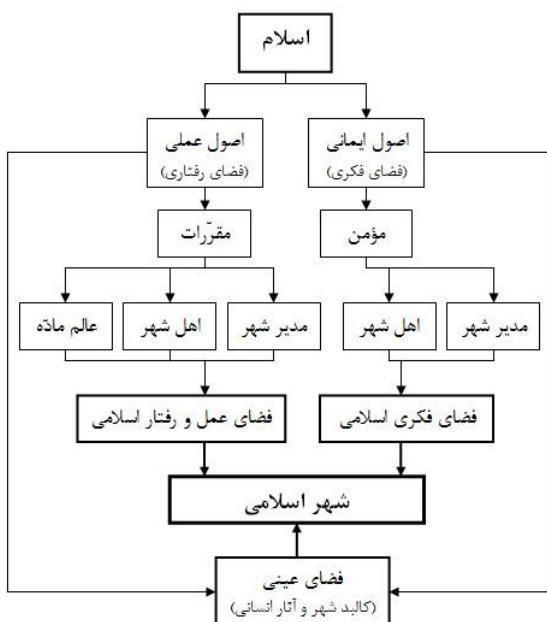
ارکان شهر اسلامی

در عالم هستی، هر پدیده‌ای - اعم از طبیعی یا انسان - ساخت - واجد اجزاء و اعضایی است که هر کدام از آنها واجد ارزش و جایگاه خاص خود هستند. اهمیت و ارزش برخی از اجزاء چنان است که حذف هر یک از آنها، پدیده مورد نظر را معدوم خواهد کرد. این گونه اجزاء را «ارکان» می‌نامیم که بدون آنها ظهور و دوام و بقای یک پدیده یا موضوع ممکن نیست. در این مجال، برآئیم تا به معرفی «ارکان» شهر اسلامی بپردازیم؛ ارکان یا «رکن»‌هایی که بدون هر یک از آنها ظهور شهر اسلامی ممکن نخواهد بود. اما قبل از معرفی ارکان شهر اسلامی، شناسایی «ارکان شهر» (به طور عام) ضرورتی است که به اتفاقی آن می‌توان وجه اسلامی هر یک از ارکان را نیز روشن کرد تا در نهایت «شهر اسلامی» با «ارکان» اسلامی‌اش معرفی شود.

- ارکان و قلمروهای اصلی شهر: مهم‌ترین عنصر و اصلی‌ترین جزء و عامل پدیدآورنده شهر «انسان» یا «أهل شهر» یا کسی است که شهر، زیست‌گاه او و مکان فعالیت‌هایش می‌باشد که در دو گروه اصلی «شهروند» (أهل شهر) و «مدیر شهر» قابل طبقه‌بندی است و مقصود از «مدیر شهر» همه کسانی هستند که به نحوی در پدید آمدن، ساخت، تحولات، اداره، برنامه‌ریزی،



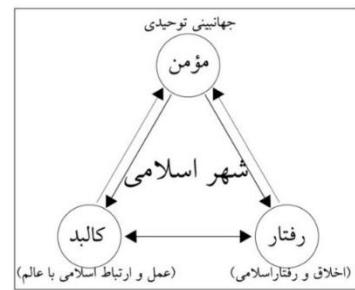
نمودار ۵: رابطه عوامل سه گانه «وجه فکری»، «وجه عملی و رفتاری» و «وجه عینی» در شکل گیری «شهر اصول اسلامی»، «شهری برای مسلمانان»، «شهر مسلمانان» و «شهری برای مسلمانان» (نقی زاده ۱۳۸۷)



نمودار ۶: نمایش ارتباط و نقش فضاهای سه گانه «فکری»، «رفتاری» و «عینی» به عنوان «رکانِ شهر اسلامی» (نقی زاده ۱۳۹۰)

اسلامی بنا شده‌اند و می‌توان آن را «شهری برای مسلمانان» نامید. سوّمین محدوده که آن را «شهر مسلمانی» می‌نامیم؛ نشانگر شهری است که در آن رفتار اسلامی جریان دارد و کالبد شهر نیز بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی ساخته

تعريف شهر اسلامی و تجلی آن ایقای نقش می‌کنند. اصلی‌ترین عنصر، انسان (یا مؤمن) است که البته مهمترین مقوله مربوط به او نیز «وجه فکری» یا به عبارتی ایمان است. به این ترتیب است که می‌توان «ایمان» اهل یک شهر را مهم‌ترین عامل و عنصر شکل دهنده و تعریف‌کننده «شهر اسلامی» نامید. عنصر بعدی، «قوانين» حاکم بر شهر و همه روابطی است که بین انسان‌ها (اعم از مدیر شهر و اهل شهر) و طبیعت و آثار انسانی حاکم‌اند. درنتیجه برای شهر اسلامی، نمودار (۳) به صورت نمودار (۴) قابل ارائه است. اگر این سه وجه یا سه قلمرو را به صورت دوایر



نمودار ۴: رابطه سه عنصر اصلی دخیل در ظهور شهر اسلام (نقی زاده ۱۳۸۷)

متقارعی نشان دهیم، بهترین حالت وقتی است که سه دایره بر هم منطبق باشند و بدترین حالت وقتی است که این دوایر هیچ نقطه مشترکی با یک دیگر نداشته باشند. اما در حالت معمول می‌توان آنها را به صورتی ترسیم کرد که دو به دو و هر سه با یکدیگر سطح مشترکی داشته باشند (نمودار ۵).

در این حالت، در سطوح مشترک، چهار نوع شهر برای جامعه اسلامی قابل شناسایی است. یکی شهری که انسان‌هایی معتقد به اصول اساسی اسلام، در آن زندگی و بر اساس دستورات اسلام عمل می‌کنند؛ که آن را «شهر مسلمانان» می‌نامیم. دیگری شهری است که در آن مسلمانان در کالبدی اسلامی زیست می‌کنند که با عنایت به دستورات

تولید او، همانا خلق الهی و اصول و قوانین حاکم بر اجزای جهان هستی است. ثانیاً به جهت این که نفعش باورها و تنکر حاکم بر انسان و نحوه نگرش او به جهان هستی و همچنین توجه به اعمالش، تأثیر مستقیم بر انتخاب روش‌های طراحی، ساخت، تولید و نحوه بهره‌گیری از طبیعت دارد، در این باب نیز شناسایی دستورالعمل‌های برآمده از تعالیم اسلامی یا لاقل محک خورده شده با این تعالیم، برای مسلمانان واجب الرعایه‌اند. به این ترتیب مجموعه ویژگی‌های تأثیرگذار بر فعالیت‌های انسان، متشکل از «قوانين حاکم بر عالم وجود» و «اصول توصیه شده برای حیات وی» می‌باشدند که اجمالاً معرفی می‌شوند.

- **صفات فعل الهی:** صفات فعل الهی (یا اصول حاکم بر فعل و خلق الهی) از اصلی‌ترین صفاتی هستند که می‌توانند به عنوان صفات شهر اسلامی مطرح شوند. توضیح این که از یک سو، بر افعال انسان بنا به باورها و الگوی اصلی‌ای که برای خویش انتخاب می‌کند، اصول و صفاتی مترتب است و از سوی دیگر، بنا به تعالیم اسلامی، انسان خلیفه (یا جانشین) خداوند در زمین است (بقره ۳۰ و نور ۵۵)؛ و لذاست که با یک مقایسه ساده می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که اعمال انسانی بایستی به صفات فعل الهی متصف باشند و در جهت متجلی ساختن آن صفات شکل بگیرند تا اولاً شرط امانتداری در خلافت رعایت گردد و ثانیاً نه تنها با فعالیت‌های انسان خدشه‌ای به هماهنگی و تعادل موجود در عالم وجود و طبیعت وارد نیاید که فراتر از آن امکان تکامل موجودات - و عالی‌تر از آن، گرایش مواد به سمت تجرد - در اثر فعالیت‌های انسان نیز فراهم آید (نقی‌زاده ۱۳۸۵).

به عبارت دیگر اینها صفاتی هستند که افعال انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین باید به آنها متصف باشند. مقرر داشتن این مقام برای انسان - هُوَ الَّذِي

شده است. و بالاخره فضای مشترک سه دایره است که از آن به عنوان مصداق «شهر اصیل اسلامی» یاد می‌کنیم و در آن مسلمانان موحد بر اساس دستورات و اخلاق اسلامی عمل و رفتار می‌کنند و توانسته‌اند کالبد مناسبی را نیز به وجود آورند که تجلی گاه ارزش‌های اسلامی باشد و آنان را در مسلمان زیستن یاری نماید. مجموعه این مباحث در نمودار (۶) قابل خلاصه‌اند.

صفات شهر اسلامی

اسلام به عنوان دین و سنت الهی زیست انسان‌ها و به مثابه فلسفه زندگی در همه زمان‌ها و مکان‌ها، اصول و ارزش‌هایی - و نه الزاماً جزئیاتی - را برای زندگی انسان معرفی و توصیه نموده است. قلمرو و حوزه اثر این اصول و ارزش‌ها منحصر و محدود به قلمرو خاصی از زندگی انسان نمی‌شود بلکه می‌توانند در همه ابعاد و قلمروهای زندگی، معنا و مصداق و اثر خاص خویش را داشته باشند. به این ترتیب اگر برای «شهر» و «ساختمان»، ورای سرپناه بودن، اهداف و غایاتی متصور باشد که این اهداف و غایات به رشد و تعالی معنوی انسان (اهداف حیات انسان از نظر اسلام) کمک می‌نمایند، ناچار بایستی اصولی بر آنها (شهر و ساختمان) حاکم باشد که این اصول نیز چیزی جز اصول حاکم بر جهان هستی و اصولی که خداوند سبحان برای زندگی انسان تعیین فرموده است، نخواهد بود که هر دو گروه این اصول، توسط خالقی حکیم و علیم ایجاد و معرفی شده‌اند.

با توجه به این که اصولاً همه فعالیت‌های انسانی در جهت نوعی خلق و خلاقیت انجام می‌شود، دو مورد اساسی بایستی مدل نظر قرار گیرند: اولاً اینکه با توجه به مقام «خلیفه‌الله‌ی» انسان، بهترین الگو برای شناسایی ویژگی‌های فعالیت‌های انسان و تعیین اصول حاکم بر اعمال و آثار

مخلوقات الهی - که در سطور پیشین ذکر شدند - آنچه که خداوند تبارک و تعالی به عنوان بنیادهای مشی زندگی انسان معرفی می‌نماید نیز در شکل‌گیری محیط زندگی که باید مقوم ارزش‌های الهی بوده و انسان را به سمت آن هدایت نمایند ایفا نقشی در خور توجه را عهددار هستند که اهم آنها عبارتند از: عبودیت و عبادت، تقتوی، ذکر، امر به معروف، نهی از منکر، کرامت انسان، عبرت‌گیری، تفکر، حیا، تواضع، عدم پذیرش ولایت کفار و مشرکین، عزّت، تمایز (عدم تشابه به بیگانگان)، اجتناب از کبر، احسان، ارجحیت معنویت بر مادیت، امنیت، هدایت، اصلاح و آبادی زمین، احتراز از فساد، تعاون و همکاری، شُکر، میانه‌روی و هویت.

جلوه‌ها و تجلیات (چشم‌انداز شهر اسلامی)

جلوه‌ها و تجلیات (یا به عبارت دیگر، چشم‌انداز) شهر اسلامی، مشتمل بر اصول و راهبردهایی هستند که حاصل تعامل ویژگی‌های مطرح برای «مبانی»، «ارکان»، «اسوه» و «صفات» شهر اسلامی می‌باشند. به عبارت دیگر با ملحوظ داشتن همه ویژگی‌هایی که برای مبانی و ارکان و اسوه و صفات و اجزاء اصلی شهر اسلامی متصوّر است و از کلام اسلامی استنباط و استخراج می‌شوند، اصول و راهبردهایی تدوین می‌شوند که این مجموعه می‌تواند چشم‌انداز شهر اسلامی را تبیین نموده و استفاده از آنها، به همراه رعایت شرایط محیطی و زمانی منجر به ظهور شهر اسلامی خواهد شد. این اصول و راهبردها را می‌توان به عنوان راهنمایی برای طراحی و برنامه‌ریزی و اداره شهر اسلامی در قلمروهای زمانی و مکانی و فرهنگی متفاوت ملاک عمل و مورد استفاده قرار داد. عنوانین این اصول و راهبردها نیز همان عنوانی هستند که در مباحث قبلی - مبانی، ارکان،

جعلَكُمْ خَلَاثَةٍ فِي الْأَرْضِ: اوست خدایی که شما را در زمین جانشین قرار داد (فاطر: ۳۹) - نکات مهمی را به انسان یادآور می‌شود که اهم آنها عبارتند از این که انسان باید شرط امانت را به جا آورد، باید اعمالش را به صفات فعل الهی متصف گردداند، باید دستورات الهی را سرلوحه اعمال و وجهه همت خود قرار دهد، باید رابطه خویش و سایر مخلوقات الهی را طبق برنامه و حقوقی که برای جملگی تعیین شده است تنظیم نماید و باید همیشه به حضور در محضر الهی متذکر باشد و خویش را از غفلت مصون دارد. بنابراین شرط خلافت و امانت‌داری حکم می‌کند که انسان اعمال خویش را به صفات الهی متصف گردداند تا ضمن به جا آوردن شرط امانت، تعادل لازم را نیز در محیط فراهم آورد.

یکی از افعال مهم انسان تغییراتی است که توسط او در محیط به وجود می‌آید که قسمتی از آن به صورت محیط و فضای زندگی در زمین ظهر می‌یابد. خلاصه این که چون تفکر اسلامی، انسان را به عنوان جانشین خداوند تبارک و تعالی بر روی زمین معرفی می‌کند، اصول حاکم بر اعمال و آثار انسانی بایستی رنگ و صبغه اصولی را داشته باشند که بر فعل الهی حاکم‌اند. برخی از بارزترین صفات فعل الهی که بایستی بر فرایند طراحی و برنامه‌ریزی محیط به عنوان یکی از مهمترین فرآوردهای فعل انسان حاکم باشند عبارتند از: وحدت، تعادل، زیبایی، نظم، هماهنگی، توازن، اندازه، حد، هدایت، سلسه‌مراتب، تسبیح، حسن، حساب، حق بودن، کرم، احسان، عدم خلق به بطالت، عدم خلق به بازی و قس‌علی‌هذا که عموماً در قرآن کریم معرفی شده‌اند.

- صفات فعل انسان و اصول توصیه شده برای حیات وی: علاوه بر ویژگی‌های مذکور برای صفات

جامعه مسلمانان، به طور مداوم راهها و روش‌های مناسب زمان و مکان را می‌جوید. شهر اسلامی ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای علوم و فنون و تجارب تمدن‌ها و جوامع بشری - درگذشته و حال - فراموش نمی‌کند که اینها همه ابزاری در جهت خدمت به انسان و رشد کرامت‌های والای او هستند. در شهر اسلامی ابعاد مادی زندگی هدف نیستند بلکه ابزاری در خدمت به بعد معنوی می‌باشند. شهر اسلامی همانند سیما و نام و لباس و آداب و سنن مسلمانان، هویت خاص خود را دارد که تمایزش را از مجتمع‌های بنashde بر مبنای تفکرات غیراسلامی به وضوح و روشنی نمایش می‌دهد. شهر اسلامی همان قدر که بهره‌گیری از فنون، روش‌ها و مصالح جدید را مُدِّ نظر دارد و بلکه بیشتر از آن، بر حفظ ارزش‌ها و رعایت آنها اصرار می‌ورزد. شهر اسلامی شهر فرهنگ‌ساز (به معنای تولید فرهنگی جدید و در ضاییت با فرهنگ اصیل جامعه) نیست، بلکه تقویت‌کننده و رشددهنده فرهنگ دینی و ملی و مفسّر زوایای مستور آن است. در ایجاد شهر اسلامی، همه آحاد جامعه نقش دارند و آن را از خویش می‌دانند که اگر چنین شد حسّاسیت نسبت به حفظ و حراست از آن و همچنین اصلاح نابسامانی‌هایش وجود خواهد داشت؛ در غیر این صورت، هر کس تنها به فکر خانه خویش خواهد بود که شاید (و فقط شاید) تنها مکانی است که هر کسی می‌تواند در مورد ویژگی‌هایش تصمیم بگیرد.

اصول شهرسازی اسلامی از «وحدت» آغاز می‌شود که جلوه توحید است که به هویت مسلمانی می‌رسد که نمایش باورها و اعتقادات مسلمانان و به نوبه خود جلوه دیگری از توحید است؛ و همه بایدها و نبایدۀای زندگی اسلامی و انسانی را مُدَّ نظر دارد.

الگو و صفات - مطرح شدند. قابل ذکر است که این جلوه‌ها و تجلیات اولًا در طیف وسیعی قابل ارائه‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود و ثانیاً اجزاء و موضوعات قابل طرح تحت هر اصل نیز بسیار گسترده‌تر از مواردی است که در این مجال به آنها اشاره می‌شود.

در واقع، همه اصولی که به عنوان راهبرد و مبانی طراحی و برنامه‌ریزی و مدیریت شهر اسلامی معروفی می‌شوند، اصولی هستند که در جمع با شرایط زمانی و مکانی (مشتمل بر همه شرایط و امکانات علمی، فرهنگی، اقتصادی، بومی، جغرافیایی، فنی، سیاسی و محیطی)، معیارها و ضوابط شهرسازی اسلامی را به دست می‌دهند. اجمالاً اینکه شرایط زمانی و مکانی، مصدق و تجلی کالبدی و عینی اصول را تعیین و تعریف می‌کنند و نسخه خاص شهر اسلامی، برای آن دوران مشخص و سرزمین خاص معرفی می‌شود. اهم این اصول و راهبردها عبارتند از: وحدت در کثرت، تعادل، زیبایی، تسبیح، عبادت و عبودیت، تقوی، ذکر، هماهنگی، توازن، اندازه، تناسب، حد، حریم، نظم، امر به معروف، نهی از منکر، کرامت انسان، عبرت‌گیری، تفکر، حیا، تواضع، سلسه‌مراتب، عدم پذیرش ولایت کفار و مشرکین، عزّت، احسان، ارجحیت معنویت بر مادیت، امنیت، هدایت، اصلاح، آبادی زمین، تعاون و همکاری، شُکر، میانه‌روی، همزیستی با طبیعت، آرمان‌گرایی (هدف‌داری)، قانون‌مندی، احتراز از فساد، اجتناب از کبر، فقدان عوامل غفلت در شهر، فقدان زمینه تباہی انسان، قناعت، هویت و قس‌علی‌هذا.

به هر تقدیر، «شهر اسلامی» در یک کلام، شهر تجلی اسلام، و شهر - مناسب زیست - انسان (مؤمن) است. شهر اسلامی برای تجلی بخشیدن به ارزش‌های مورد احترام

نتیجه‌گیری

تعریف‌کننده تمدن اسلامی، وجود مدینه اسلامی به عنوان مکان زندگی مدینه‌نشینان و ظرف فعالیت‌های ایشان می‌باشد. کالبد و فضاهای مدینه هر تمدنی بایستی اولًا با تجلی کالبدی ارزش‌ها و معارف جهان‌بینی حاکم، معرفه هویت تمدن مورد نظر باشد و ثانیاً بتواند اهل مدینه را در نیل به آرمان‌های تمدن‌شان یاری رساند.

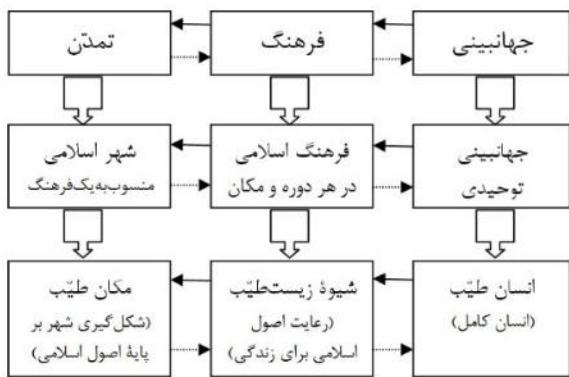
علی‌ای حال بی‌مناسبت نیست تا به عنوان خلاصه نتیجه‌گیری یا جمع‌بندی مطالب و موضوعات مطرح شده، به برخی از نکات اصلی و اساسی که شرح و تبیین نظریه مطرح در مقدمه اصلی هستند اشاره شود:

۱. چیستی «شهر اسلامی»: «شهر اسلامی» به طور خاص فرایندی است که همانند تحول و شدن اهل خویش در حال تحول بوده و همواره خویش را با نیازهای زمان و مکان و اهل خود و البته با استناد به مفاهیم و اصول و ارزش‌های اسلامی وقف خواهد داد. به این ترتیب، شهر اسلامی ماهیتی است ثابت که در هر مکان و زمان تجلی ویژه خویش را خواهد داشت. به عبارت دیگر شهر اسلامی ماهیتی بالقوه است که می‌تواند در هر زمان و مکانی با توجه فرهنگ و هنر بومی - که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض نباشد - و با بهره‌گیری از فناوری و مصالح و دانش در دسترس مسلمانان آن جامعه خاص، تفسیر و تجلی خاص خویش را داشته باشد.

به طور اجمال می‌گوییم که شهر اسلامی مفهومی است که مبانی و ارکان و صفات و اسوه آن از قرآن-کریم قابل استنتاج و استنباط است و به این ترتیب مسلمانان - و حتی شهراهی غیرمسلمانان - در دوران‌ها و سرزمین‌ها و دانش متفاوت، در متجلی

یکی از اهداف عالی یا از آرمان‌های بلند جامعه و تمدن اسلامی، ایجاد و معرفی تمدنی است که با بهره‌گیری مناسب و بهینه از موهاب خداداد و تجربیات و علوم جامعه بشری، بتواند نمایشگر ارزش‌ها و اصول اسلامی در همه ابعاد وجودی خویش باشد. یکی از ابزار و همچنین یکی از آثار چنین تمدنی، عبارت از محیطی خواهد بود که انسان‌های عضو آن تمدن بر اساس اعتقادات و باورهای خویش آن را به وجود آورده‌اند و در آن زیست می‌کنند. آنچه که امروزه امری بدیهی به نظر می‌رسد این است که شهرها و محیط‌های زندگی موجود در ممالک اسلامی و از جمله ایران سنتیتی جامع با اصول و ارزش‌های اسلامی و ملی ندارند و لذاست که تغییر و دگرگونی در آنها امری ضروری است و از آنجایی که این دگرگونی و تحول - به دلیل نیاز به نیرو و سرمایه و زمان بسیار - یک‌شبه و حتی طی سالیان نزدیک نیز مقدور نمی‌باشد، بر برنامه‌ریزان و طراحان و مدیران فرض است که دگرگونی و استحاله تدریجی آنها را همراه با برنامه‌ریزی برای توسعه‌های آتی بر مبنای اصول و ارزش‌های اسلامی - ملی مدد نظر قرار دهند.

به عبارت دیگر، مجتمع‌های زیستی (عمدتاً شهرها)، به عنوان ظرف تمدن و فعالیت‌های اهل آن، یکی از مهم‌ترین عناصر بیانگر هویت یک تمدن می‌باشند که می‌توانند نمایشگر و تجلی‌گاه ارزش‌ها و اعتقادات یک ملت و تمدن‌شان بوده و همچنین در شکل دادن رفتار آحاد جامعه و هدایتشان به سمت اهداف برآمده از مبانی عقیدتی تمدن مورد نظر ایفای نقش نمایند. مضاف بر اینکه از آنجایی که یکی از نمادهای هر تمدنی، وجود مدینه شکل‌گرفته بر مبنای اصول و ارزش‌های منبعث از جهان‌بینی حاکم بر آن تمدن می‌باشد، یکی از نمادها و نشانه‌های هویت‌دهنده و



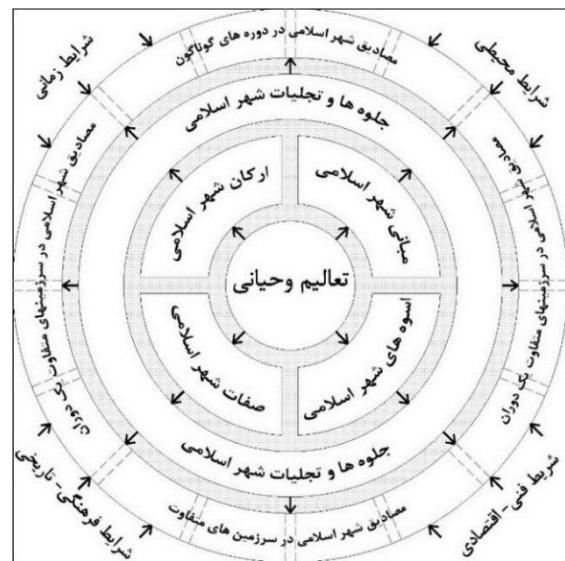
نمودار ۸: فرایند ظهور «تمدن»، شهر یا «مکان طیب» از طریق «فرهنگ‌ها» و «جهانبینی‌های مرتبه و مبنای»
(نقی زاده ۱۳۹۰)

ثانیاً، «شیوه زیست» یا «فرهنگ» اهل شهر باید بر اساس تعالیم عالیه‌ای که اسلام برای مشی انسان در زمین تعیین و تعریف نموده است سامان یافته و هدایت شده باشد.
ثالثاً، «مکان» یا «شهری» که محل زندگی چنین جامعه‌ای است به عنوان ظرف «تمدن اسلامی»، باید بر پایه اصولی که برای زندگی و برای ارتباط با طبیعت و جامعه و آثار انسانی تعریف شده است، شکل گرفته باشد که رابطه و فرایند ظهور این سه موضوع، در نمودار ۸ نشان داده شده‌اند.

۲. فضای حیات طیب: با عنایت به این که «فضای حیات طیب»، «شهر اسلامی اسلام» است، با اتکا بر آیات الهی می‌توان گفت: «فضای حیات طیب»، فضایی است که اهل آن در فضای تقوای الهی، به عبادت و بنده‌گی او مشغول‌اند. در این فضا، همگان در راه او و به نیت قرب او جدیت و مجاهده می‌کنند. در این فضا، همگان «زمین» را «مادر» خویش می‌دانند^۷ و در نتیجه آن را تخریب نمی‌کنند و روی زمین به ظلم و تباہی و اسراف و ظلم و تبذیر و برتری جویی و تفاخر نمی‌پردازند. در این فضا، کرامت انسانی محترم است و نه تنها حقوق مردمان که حقوق همه مخلوقات الهی مشتمل بر جملگی جانداران و همه ددان و گیاهان و

ساختن آن توان متفاوتی دارند و به این ترتیب هر شهری، به اندازه‌ای اسلامی است - و به الگوی حقیقی و مثالی شهر اصیل و آرمانی اسلام نزدیکتر است - که بتواند جلوه‌گاه مبانی و اصول و ارزش‌هایی باشد که کلام الهی برای جامعه اسلامی و الهی تعریف نموده است (نمودار ۷).

رابطه آثار با اندیشه: با عنایت به آنچه گذشت و با



ملحوظ داشتن چند موضوع اساسی از جمله: توجه به معنای «حیات طیب» به عنوان عالی‌ترین صورت زندگی دنیاگی و فرایند ظهور یک شهر، از اعمال و فعالیت‌هایی که متنکی به اندیشه‌ای هستند می‌توان، «انسان طیب»، «شیوه زیست طیب» و «مکان طیب» را به ترتیب به عنوان مابه‌ازاء «جهانبینی» و «فرهنگ» و «تمدن» (یا شهر) برگزید و نتیجه اینکه برای ظهور «شهر اسلامی»:
اولاً، «اهل شهر» (و به عبارت بهتر، اندیشه و جهان‌بینی شهر) باید مطابق مشخصه‌های مذکور در کلام الهی و متناسب با ویژگی‌های «انسان کامل» باشند.

پيشرفته و توسعه يافته تلقی شدن دارند.
در مراجعه به متون اصيل اسلامي نيز توجه کنيم
که باید به دنبال شناخت مبانی و اصول و اسوه ها
(الگوهای اصیل) و صفات بود و نه مصاديق فیزیکی
و کالبدی و شکلی که در هر لحظه و هر مکانی حالتی
به خود می گیرند.

۴. **پیشنهادات اجمالی:** برای ظهور «شهر اسلامی» -
چنانچه گذشت - اگر چه همگان باید دست به دست
هم دهند تا اولًا جامعه مؤمن شکل بگیرد و ثانیاً اخلاق
و رفتارها و قوانین و به طور خلاصه، رابطه انسان با
همه اجزای هستی بر اساس تعالیم اسلام تدوین شوند
اما ساختن کالبد شهر نیز اصول و قوانین و مقررات و
ضوابطی را طلب می کند که باید از سوی طراحان و
برنامه ریزان و مدیران رعایت شود. در جهت تحصیل
این هدف (یعنی ساختن کالبد شهر اسلامی) توجه به
موضوعاتی ضرورت دارد که اهم آنها عبارتند از:
- تدوین برنامه ای جامع برای شناخت همه راه های
تدوین مبانی و اصول و راه های ظهور «شهر اسلامی»،
(به عنوان سند چشم انداز و پایه قوانین و برنامه های
آموزشی و حرفه ای و اجرایی و مدیریتی) (نقی زاده
۱۳۸۷).

- آموزش نیروی انسانی متخصصی که اولًا به موضوع
معتقد باشد و ثانیاً قوه شناخت سره از ناسره را داشته
و از همه مهمتر تصمیم ساز و تصمیم گیر اصلی باشد.
- تدوین قوانین و مقررات بر پایه چشم انداز و اصول
و راهبردهای تدوین شده برای «حيات طیبه انسانی».
- تأسیس ساختار اجرایی و حرفه ای مناسب و کارآمد.
- توجه به همه موضوعات انسانی و اجتماعی و
فرهنگی و اقتصادی و سیاسی بر پایه تعالیم و اصول
مشی اسلامی و به عبارت بهتر جريان همه امور در
چهار چوب برنامه چشم انداز جامع و همه سونگر.

حتی زمین و جمادات محترم شمرده می شود.^۸ فضای
حیات طیب، هماهنگ با هستی، جلوه های مناسبی از
شکر و تسبیح الهی را به نمایش می گذارد و ذکر کثیر
الله را متجلی می سازد. در فضای حیات طیب که
فضای جستجوی حقیقت است، علوم مکتبه (اصول
و ارزش ها و قوانین حاکم)، در رفتار اهل شهر
(اخلاق) و در آثارشان (یا هنرشن) به کار گرفته می -
شوند. هدف اصلی مردمان، در فضای حیات طیب،
سیر به سوی خداوند سبحان است و در این راه،
دستگیری از دیگران فرضیه ای است که بر کرامت اولاد
آدم^(ع) متکی است و بر سیره پیامبری که رحمه^ه -
للعالمین^(ص) است. شهر اسلامی یا فضای حیات طیب،
اهل خویش را در عمل به بایدها و احتراز از نبایدها
هدایت و یاری می کند تا به جایگاهی که شایستگی آن
را دارند برسند.

۳. **منابع شناخت ویژگی های شهر اسلامی:** به منظور
شناخت اصول و ویژگی های شهر اسلامی، و تدوین
معاييری برای طراحی و برنامه ریزی و ساخت و
مدیریت آن توجه کنیم که با غور و مطالعه و طلب
خیر از تعالیم اسلامی، امكان شناخت و تدوین
معاييری برای جملگی فعالیت های جامعه اسلامی، از
جمله شهرسازی و معماری فراهم است که این معیارها
هم می توانند میزان ارزیابی الگوها و تولیدات و
تفکرات وارد از جوامع غیر اسلامی باشند هم
می توانند چگونگی استفاده از تجرب گذشتگان را
روشن کنند و هم این که ابزار محک و ارزیابی تولیدات
جامعه اسلامی باشد و این اصلی ترین نکته ای است
که سالیان سال نزد مسلمین مغفول مانده و آنان را تابع
و پیرو و مقلد غرب قرار داده؛ به طوری که حتی
تعاریف بسیاری مفاهیم را از آنان اخذ نموده و بر
اساس معیارهای بیگانه سعی در تشبیه به آنان به منظور

پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک). و برادران مارکیس (Von Grunbaum 1955) (& Marcais, W, 1928 Marcais, G, 1945).

- 2. Lapidus
- 3. Xavier de Planhol
- 4. Morini
- 5. Abraham Maslow

۶. توجه به طبیعت به عنوان منبع شناخت خالق، موردی است که در جای‌جای متون اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است (ر.ک. قرآن کریم، توحید مفضل ۱۳۵۷ و مطهری ۱۳۶۷).

۷. تَحَكَّمُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ: حرمت زمین را بدارید [و از آن حفاظت کنید] که آن به منزله مادر شماست (نهج الفصاحه ۱۳۷۷، ۱۳۸۰).
 ۸. إِنَّهُ اللَّهُ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْؤُلُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ: از خدا بترسید در حق بندگانش و بلادش، زیرا شما مسؤول هستید حتی در برابر زمین‌ها و ستوران (نهج البلاغه ۱۳۷۹، خ ۱۶۶، ۳۹۷-۳۹۶).

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابراهیمی، محمدحسن. ۱۳۷۵. مدخل بحث درباره شهر اسلامی. مجله آبادی (۲۲).
- اتینگهاوزن، ریچارد و الگ گراب. ۱۳۸۲. هنر و معماری اسلامی (جلد ۱). ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات سمت.
- احمدی، بابک. ۱۳۷۳. مارزنیه و اندیشه انتقادی. تهران: نشر مرکز.
- اسلامی، علی‌ناصر و ماسیمو مورینی. ۱۳۷۵. پرسش پژوهشگران غربی از هویت شهر اسلامی. ترجمه مجید محمدی. مجله آبادی (۲۲).
- افشار نادری، کامران. ۱۳۷۵. مشترکات شهرسازی جهان اسلام. مجله آبادی (۲۲).
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۷۲. مدخلی بر اصول و روش هنر دینی. در مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی. ترجمه جلال ستاری. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- توحید مفضل. ۱۳۵۹. امام جعفر صادق. ترجمه ملام محمد باقر مجلسی. تهران: انتشارات فقیه.
- جوادی‌آملی، عبدالله. ۱۳۸۱. صحیح حجج . قم: مرکز نشر اسراء.
- دادوری اردکانی، رضا. ۱۳۷۸. اسلام و علم دوستی. نامه فرهنگستان علوم (۱۲ و ۱۳).
- نهج البلاغه. ۱۳۷۹. گردآوری سید رضی. ترجمه و حواشی محمد دشتی. قم: انتشارات ظهور.
- نهج الفصاحه. ۱۳۷۷. گردآوری و ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: جاویدان.
- طباطبایی، [علامه] سید محمد حسین. ۱۳۷۴. تفسیر المیزان (دوره ۲۰ جلدی). نرم‌افزار نورالانوار. قم: مرکز تحقیقات کامپیوترا علوم اسلامی.
- _____. (بی‌تا). تفسیر المیزان (جلد ۷). تهران: محمدی.
- عاملی، [شيخ] حر. ۱۳۸۵. کلیات احادیث قدسی. ترجمه کریم فیضی . قم: انتشارات قائم آل محمد.
- فرجامي، امير. ۱۳۷۵. برای اسلامی کردن سیمای شهر چه می‌توان کرد؟. مجله آبادی (۲۲).
- فروغی، محمد علی. ۱۳۱۷. سیر حکمت در اروپا (جلد ۱ و ۲). تهران: زوار.
- مطهری (د)، [شهید] مرتضی. ۱۳۶۷. مسئله شناخت. تهران: صدر.
- _____. ۱۳۶۱. آشنایی با علوم اسلامی حکمت عملی. تهران: صدر.
- _____. ۱۳۵۷. عدل الهی. قم: صدر.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۰. شهرآرمانی اسلام یا فضای حیات طبیه. تهران: نشر شهر.
- _____. ۱۳۸۷. شهر و معماری اسلامی (تجزیات و عینیات). اصفهان: انتشارات مانی.

- ۱۳۸۵. معماری و شهرسازی و اسلامی (مبانی نظری). اصفهان: انتشارات راهیان.
- ۱۳۸۴. جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

- Brown, Carl L. (ed.).1973. From *Madina to Metropolis: Heritage & Change in the Near Eastern City*. New Jersey: The Darwin Press.
- Kuban, Dogam.1980. Prepared Community. In Holod Renata (Ed.). *Toward an Architecture in the Spirit of Islam, Age Khan Awards*. Philadelphia.
- Haider, S. Gulzar.1984. Habitat and Values in Islam: A Conceptual Formulation of an Islamic City. In Sardar, Ziauddin (Ed). *The Touch of Midas*. Manchester: Manchester University Press.
- Hassan, Riaz. Feb. 1972. Islam and Urbanization in the Medieval Middle-East. *Ekistics Journal* (195).
- Ismail, Adel A. Feb. 1972.Origin, Ideology and Physical Patterns of Arab Urbanization. *Ekistics Journal* (195).
- Lapidus, Ira. 1973. Traditional Muslim Cities: Structure and Change. In Carl Brown (Ed.). *From Madina to Metropolis: Heritage and Change in the Near Eastern City*. New Jersey: The Darvin Press.
- _____.1988. *A History of Islamic Societies*. Cambridge: Cambridge University.
- Marcais, Willam. 1928. La Islamisme ET La vie Urbaine. In *La Academie des Inscriptions ET Belles- Lettres*. Paris: Comptes Rendus.
- Marcais, George. 1945. La Conception des Villes Dans L' Islam. In *Revue d' Alger*. Algiers.
- Serageldin, Ismail. 1989 .Faith and the Environment: An Inquiry into Islamic Principles and the Built Environment of Muslims. In Serageldin, Ismail (ed.), *Space of Freedom, Aga Khan Award for Architecture*. London: Geneva.
- Von Grunebaum, Gustave. 1980. The Structure of the Muslim Town. In *Islam: Essays in the Nature and Growth of a Cultural Tradition*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Yusuf Ali, Abdullah. 1938. *The Holy Quran (Text, Translation and Commentary)*. Translated by Shaikh Muhammad Ashraf. Lahore: Kashmiri Bazar.

Pattern, Basics, Pillars, Attributes and Principles of Islamic City

Mohammad Naghizadeh

Associate Professor, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University of Tehran, Tehran, Iran.

For each created object, including city- especially those which are attributed by Islamic properties- there are a number of characteristics to be considered, some major features which differentiate the Islamic city from the rest are as follows: Pattern, basics, pillars, attributes and principles.

Every phenomenon in the world-specially man made ones- is created based on a pattern. For a city, it is of outmost importance to have a pattern. Aside from the importance of availability of pattern, each subject is established based on a structure and rule just like a building which is made on a foundation.

Additionally, every subject and phenomenon has a number of pillars that are vital to its creation and survival; without which that phenomenon will collapse. Principles are also very important factors which play a very critical role, especially in adapting people's outlook and culture with their city.

And finally, the fifth important issue is the attributes that are essential for manifestation of a

phenomenon which in fact are its consisting principles and ... indeed, city and in particularly Islamic city follows the same rule.

Moreover, the Holy Quran which contains all the essential subjects required by people based on its saying and the Innocents, is a reference from which one can extract pattern, basics, pillars, attributes and principles of Islamic city. The present article attempts to explain these topics and introduce and clarify "the original Islamic city" which is the living place of perfect man, in a conceptual and exemplified approach; which will be presented considering the faith level of its creators and dwellers and in accordance to available facilities and condition and time of the sample and the appropriate version of that era and that realm.

Key words:

Islamic City, Pattern, Attribute, Principle.

In the Name of God

Firooze Islam - Journal of Research On Islamic Architecture and Urbanism

**Biannual Journal
Vol.1 No.1 Fall/Winter 2015-2016**
ISSN: 2383-0247

License holder: Tabriz Islamic Art University

Managing Director: Prof. Dr. Keynejad. Mohammad Ali

Chief Editor: Dr. Pirbabaei. Mohammad Taghi

Co-Editor: Dr. Nejad Ebrahimi. Ahad

Editorial Board: Prof. Dr. Bemanian. Mohammad Reza (Professor of Architecture & Urbanism Faculty, Tarbiat Modarres University)
Dr. Pirbabaei. Mohammad Taghi (Associate professor of Architecture & Urbanism Faculty, Tabriz Islamic Art University)
Prof. Dr. Chenaghliou. Mohammad Reza (Professor of Civil Engineering Faculty, Sahand University Of Technology)
Prof. Dr. Hojjat. Isa (Professor of Architecture & Urbanism Faculty, Tehran University)
Prof. Dr. Keynejad. Mohammad Ali (Professor of Architecture & Urbanism Faculty, Tabriz Islamic Art University)
Prof. Dr. Mohammad Moradi. Asghar (Professor of Architecture & Urbanism Faculty, Iran University of Science & Technology)
Dr. Mirgholami. Morteza (Assistant Professor of Architecture & Urbanism Faculty, Tabriz Islamic Art University)
Prof. Dr. Nadimi. Hamid (Professor of Architecture & Urbanism Faculty, Shahid Beheshti University)
Dr. Nejad Ebrahimi. Ahad (Assistant Professor of Architecture & Urbanism Faculty, Tabriz Islamic Art University)

Internal Affairs Manager: Dr. Gharehbaglou.Minou (Assistant Professor of Architecture & Urbanism Faculty, Tabriz Islamic Art University)

Executive Directors: Eng. Hamze Pirbabaei, Eng. Zahra Alinam, Eng. Seyed Masoud Vafaei

Scientific Advisers: Dr. Bahram Ajorlou, Dr. Maziar Asefi, Dr. Azita Balali Oskuei, Dr. Morteza Pourmohammadi,
Dr. Hasan Sajjadzade, Dr. Farzin Haghparast, Dr. Yaser Shahbazi, Dr. Abbas Ghaffari, Dr. Islam
Karami, Dr. Mahdi Mohammadzadeh, Dr. Leila Medghalchi, Dr. Ayda Maleki, Eng. Mahdi Narangi,
Dr. Masoud Nari Ghomi, Dr. Masoud Wahdattalab, , Dr. Ali Vandshoari, Dr. Parisa Hashempour.

Address: Faculty of Architecture & Urbanism - Tabriz Islamic Art University - Mosalla St. - Maghsoudie St. -
Saat Sq. - Tabriz
Tel: 041-35541813

Web site: Firooze-islam.ir
E-Mail: Firooze.islam@tabriziau.ac.ir



Tabriz Islamic Art university

1999

Faculty Of Architecture & Urbanism

FIROOZE ISLAM

Journal of Research on Islamic Architecture & Urbanism

1

ISSN: 2383-0247

Vol. 1 , Fall / Winter 2015-2016

Criticism on the Opinions of Contemporary Traditionalists in Islamic Art and Architecture; Based Upon the Concept of the Tradition in Definition of Islamic Architecture

Seyed Amir Mansouri, Mahmoud Teimouri

How is the Return of “Identity” to the Islamic Art and Architecture

Mohammad Aliabadi

Iran Contemporary Architecture

Short-term Society , Short-term Architecture
Manoochehr Moazzami

Pattern, Basics, Pillars, Attributes and Principles of Islamic City

Mohammad Naghizadeh

Magnanimity Letter of Architecture

Fourteen Main Principles of Professional Ethics in Architecture and Urbanism

Mehrdad Aghasharifiane Esfehani
Ahmad Aminpour

Emergence of Eclecticism as Style, New Approaches to Mosque Architecture in Malaysia

Amir H. Zekrgoo